





سرشناسه: عباس زاده پهلوان، امیر، ۱۳۵۹
عنوان و نام پدیدآور: گل پوش / مؤلف امیر عباس زاده پهلوان.
مشخصات نشر: مشهد: امیر عباس زاده پهلوان، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۸۸ ص: مصور (رنگی)، عکس؛ ۱۲×۱۷ س.م.
شابک: ۰-۰۵۹۶-۰۴-۶۰۰-۹۷۸: ۴۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع: حجاب - ایران - جنبه های جامعه شناختی
موضوع: انحراف اجتماعی - ایران
موضوع: حجاب - ایران - جنبه های اجتماعی
موضوع: حجاب - جنبه های مذهبی - اسلام
رده بندی کنگره: ۸۱۳۹۲ گ ۸ / ۲ / ۱۷ / ۲۳۰ BP
رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۶۳۶۱
شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۰۴۷۲۶

نام کتاب: گلپوش
مؤلف: امیر عباس زاده پهلوان
ناشر: مؤلف
همکاران تحقیق: حجج اسلام عبدالحمید صادقی و سید فتاح امیدخدا، خانم دوست خواه
نویت چاپ: پنجم، اسفند ۱۳۹۳
صفحه آرا: یگانه طلوع
تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه
قیمت: ۴۰۰۰ تومان
شابک: ۰-۰۵۹۶-۰۴-۶۰۰-۹۷۸

(تذکر: این کتاب به زبان محاوره ای نوشته شده است)
کلیه حقوق متعلق به ناشر مؤلف می باشد

مرکز پخش:

مشهد- خیابان امام رضا (ع) (۱۰)- کوچه اول سمت راست-
مؤسسه تخصصی امام سجاده (ع) - کار گروه گلپوش
کدپستی: ۹۱۵۶۱-۱۵۶۶۷ تلفن: ۰۹۱۰۵۷۸۵۷۷۴
golposh۲۰@gmail.com

لطفاً نظرا و انتقادا و پیشنهاداتون رو به سامانه پیامکی به شماره
پیامک کنین.

فهرست

- ۹ واقعاً کدوم نحوه لباس پوشیدن درسته؟
- ۱۱ از نگاه علم
- ۱۱ چی پیش میاد؟



دسته اول؛ مجردای سست ایمان ۱۶

- ۱۶ در اونجا چشمم به دخترای زیادی می افتاد ...
- ۱۸ حواسا جمع! پسرا حاضر نیستن ...
- ۱۹ شاید دختری حاضر باشه که ...
- ۲۰ آزار و اذیت اما به اسم دوستی یا ازدواج
- ۲۱ شاید هیچ قصدی ندارن، ولی ...



دسته دوم؛ افراد هرزه و لآبالی ۲۲

- ۲۲ سر کوجه ها و چهارراه ها داره چه اتفاقی می افته؟
- ۲۳ شما میگي بهش بگيم نگاه نکنه؟
- ۲۴ ماشينايي که جلوی دخترا بوق می زنن
- ۲۵ کیا بیشتر مورد آزار و اذیت قرار می گیرن؟
- ۲۵ چراغ سبز!
- ۲۵ ماجرای میدان آزادی تهران
- ۲۶ تو آمریکا چه خبره؟

- ۲۸ دادگاه محاکمه برای این آدم کثیف میذارن ؟
- ۲۹ اما روحیه از دست رفته و ...



دسته سوم؛ مردهای ازدواج کرده اما سست ایمان ۳۰

- ۳۱ مرده رفته تو خیابون و چند نفر خوش تیپ تر از خانومش رو دیده
- ۳۱ آره! مرده چونکه چند تا زن خوش تیپ تر از خانوم خودش رو دیده
- ۳۲ میگی: مردا نباید نگاه کنن؟
- ۳۳ من که خوش تیپ کردم
- ۳۳ آیا احتمال نمیدم شوهر من هم
- ۳۴ از هر دست که بدی، با همون دست پس می گیری!
- ۳۵ اگه تصمیم بگیره دیگه اون کار رو انجام نده
- ۳۵ قانون نانوشته، قانونی بین همه زن و شوهرها
- ۳۷ «لیندزی کان» میگه:



دسته چهارم؛ بقیه مردا و جوونا ۳۸

- ۳۸ قوانین دانشگاه های اروپا و آمریکا
- ۳۸ دانشگاه تگزاس آمریکا (Texas)
- ۳۹ دانشگاه آکسفورد (Oxford)
- ۳۹ دانشگاه مری واشنگتن (Mary washington)
- ۳۹ دانشگاه گرین ویل شمالی آمریکا (North Greenville)
- ۴۰ موقع کار چی پیش میاد؟
- ۴۱ بعضیا میگن: توی غرب همه چیز طبیعی و مشکلی نیست
- ۴۳ چرا به مردا چیزی نمی گین؟
- ۴۵ طلافروش و دزد

- ۴۷ دیوار بلند. لازمه؟
- ۵۰ دلت پاك باشه
- ۵۱ ماجرای ماهیچه پلك چشم
- ۵۲ همین خدا گفته
- ۵۳ کجای قرآن اومده پوشش واجبه؟
- ۵۴ اصلاً هر کسی رو تو قبر خودش میذارن!
- ۵۵ نهایتاً صد سال
- ۵۶ صحنه های دردناك
- ۵۷ بر فرض که خدا ببخشه، حق الناس رو چه کار کنم؟
- ۵۷ ای بابا؛ خدا مهربونه و می ببخشه!
- ۵۸ تا ابد خوش می گذروئن و لذت می برن
- ۵۹ حیفه که همین يك نکته مهم رو رعایت نکنن
- ۶۰ کدوماشون؟
- ۶۰ اصلاً مسئله شرعی حجاب چیه؟
- ۶۱ مانتو؟
- ۶۲ هر کسی چادری بود، حجابش درسته؟
- ۶۲ کدوم چادریا، حجابشون صحیحه؟
- ۶۳ کدوم چادر خوبه؟ چادر ملی یا چادر...؟
- ۶۳ قابل توجه چادریا
- ۶۳ چادر، با رنگ مشکی؟
- ۶۵ چرا حتی یک تار موی خانوما نباید بیرون باشه؟
- ۶۶ کجا حواسا باید بیشتر جمع باشه؟
- ۶۶ جلوی محرمًا، چه جوریه؟
- ۶۷ حجاب زبان و رفتار
- ۶۸ باید زن رواز زیر چادر بیرون کشید!
- ۶۹ باید برسرمسلمون ها به جای بمب، دامن های کوتاه فرو بریزیم

- احساس امنیت ۶۹
- مسئله شرعی ایناچیه؟ ۷۰
- چون فامیلیم، محرمیم دیگه؟ ۷۰
- لباس تنگ و تحریک‌کننده؟ ۷۱
- چهره آرایش‌کرده؟ ۷۱
- اگه شوهرم یا پدر و مادرم به من بگن بیرون آرایش کن؟ ۷۱
- چادر نازک و بدن‌نما؟ ۷۱
- حکم شرعی جوراب نازک و شیشه‌ای؟ ۷۲
- این چیه رو سرت گذاشتی؟ ۷۳
- گوهرهای آسمانی ۷۶
- لباس اندام‌نما؟ ۷۶
- لباس تنگ و چسبان؟ ۷۶
- لباس نازک؟ ۷۷
- بوی خوش؟ ۷۷
- فرشته‌ای از فرشتگان ۷۷
- عنایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریک به یک زن محجبه ۷۸
- محکم در راه حجاب ۷۹
- اون همه تمسخر، برام خیلی سنگین بود ۸۰
- مقتعه‌ام فرق سرم بود ۸۲
- نصف موهام از جلو بیرون بود و نصفش از پشت سر ۸۳
- حرف آخر ۸۶
- توجه؛ کارگاهی جذاب با حضور همه فکرها ۸۸

واقعاً کدوم نحوه لباس پوشیدن درستته؟

مانتویی که دیروز با خواهرم تو بازار دیدم قشنگ بود ها، فکر می‌کنم رنگش خیلی جیغه ولی یکی می‌گفت: مگه چه اشکالی داره؟
نمیدونم، البته من اگه بپوشمش برای زیبایی خودم می‌پوشم نه برای به انحراف کشوندن دیگران.

دوستم چادریه، خواهرم مانتوییه و کمی آرایش می‌کنه، دختر خاله‌م هم آرایش می‌کنه و هم مانتوی تنگ می‌پوشه. من هم، خداییش همه شون رو دوست دارم. ولی واقعاً کدوم نحوه لباس پوشیدن و راه رفتن تو خیابون درست‌ه و به چه علت؟



سلام؛

خیلی‌ها هستند که مثل این دختر خانومی که جمالتش رو خوندین،
دنبال حقیقتن و واقعاً میخوان بفهمن پوشش درست کدومه.

ما اینو می‌دونیم که خیلی از کسانی که اهل آرایش کردن و مانتوی
تنگ پوشیدن تو خیابون هستن، از این نحوه پوشش شون قصد بدی
ندارن و اونا هم دنبال راه درست هستن. ما سعی کردیم توی این
کتاب، با نگاهی منصفانه جواب این سوال مهم رو پیدا کنیم که «واقعاً
کدوم نحوه لباس پوشیدن و راه رفتن تو خیابون درسته و به چه علت؟»
پیشنهاد می‌کنیم اگه دوست دارین به جواب این سوال مهم دست
پیدا کنین، سیر کتاب رو از اول تا آخر پیگیری کنین.



از نگاه علم

چی پیش می‌آد؟

در ابتدا به يك مطلب علمی دقت كنين. از لحاظ علمی، جنس مذکر، هر جورش، جوون یا میانسال، چشمشون بیفته یا بندازن، به دخترا و خانوما، مانتویی یا چادری، به چی شون؟ به موهای بیرون اومده یا رنگ شده شون، یا به چهره آرایش کرده شون، یا به لباسهای تنگ و اندام نماشون که اعضای بدنشون رو برجسته می‌کنه، یا به ساق دست یا پاهای بدون پوشش شون، یا به مانتوهای کوتاه یا چاک دارشون.

چی پیش می‌آد؟ از لحاظ علمی تحريك ميشن.

افراد زیادی هستن که این مطالب رو تأیید می‌کنن.

مثلاً دکتر مارکس لوشر که نویسنده کتابه میگه:

اگه یه زن، برجستگی‌های بدنش رو به وسیله لباسش نشون بده، مردی که اون رو می‌بینه این تصویر رو تعمیم میده (البته یک عده از مردها و نه همه شون) اینجاست که نشان دادن برجستگیهای بدن با لباس، از نگاه مرد، همان (مثل) عریان بودن زنه.^۱

این می‌دونین یعنی چی؟

یعنی تحريك يك مرد!

۱- روانشناسی رنگها، ص ۶۵ به نقل از حریم ریحانه





موهای بیرون یا رنگ شده

چهره آرایش کرده

لباس اندام نما

دست‌ها یا پاهای بدون پوشش

مانتوهای کوتاه و چاک دار

بسیار خفیفی که ایشون می‌گه، یعنی چی؟

فکر می‌کنم جالب باشه اگه صحبت‌های دکتر مایک ماتیسوس رو که برای دخترا و خانوما گفته براتون بگم. این آقا روان‌شناس مرکز مشاوره‌ی «عشق حقیقی» در هوستون آمریکاست. اون می‌گه:

خودآگاه یا ناخودآگاه، اگه خود را از نظر جنسی، آشکار نمایش دهید، حتی بسیار خفیف، بسیاری از مردان بدن شما را برای لذت بردن طلب خواهند کرد.^۱

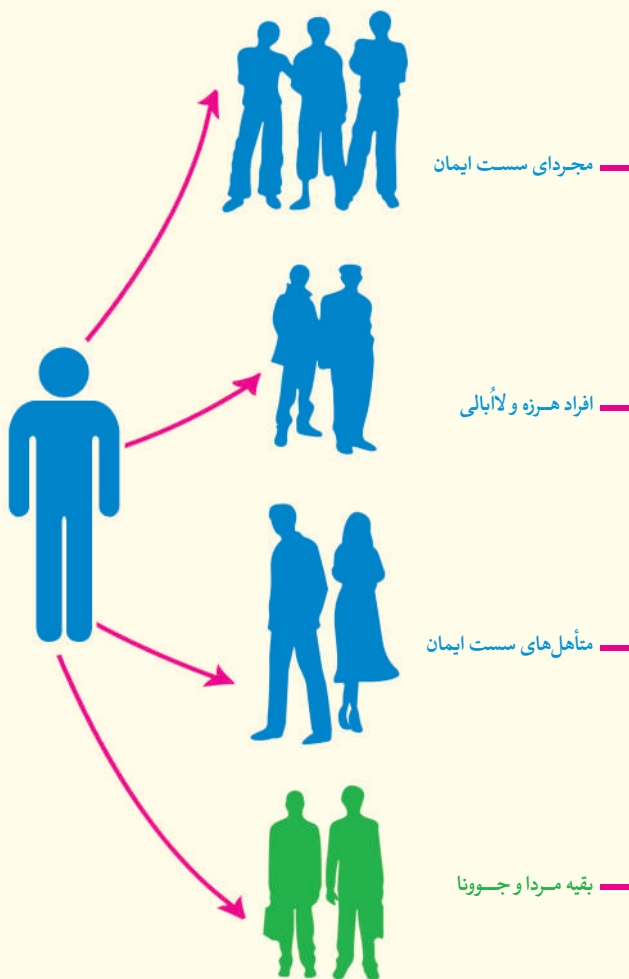
می‌دونین بسیار خفیفی که ایشون می‌گه یعنی چی؟ یعنی اینکه جنس مذکر، البته خیلی‌هاشون با کمترین جذبه‌ای که از دخترا و خانوما می‌بینن تحریک میشن، ولی خیلی از خانوما اینو نمی‌دونن. اینو علم روز دنیا می‌گه‌ها!

حالا شاید کسی سوال کنه: برفرض که یک مرد یا جوونی تحریک شد، خب مگه چه اتفاقی می‌افته؟

نگاه کنین، مردا رو با توجه به متفاوت بودن شخصیتشون، میشه توی چهار دسته قرار داد که هر کدوم کاری که در مقابل تحریک شدن انجام میدن، متفاوته.

۱- مقاله «برای عشق جاودان آماده باشید». ترجمه مهدیار حمیدی





موهای بیرون یا رنگ شده

چهره آرایش کرده

لباس اندام نما

دست‌ها یا پاهای بدون پوشش

مانتوهای کوتاه و جاک دار



دسته اول؛ مجردای سست ایمان

خب، حالا بریم سراغ دسته اول که جوونای ازدواج نکرده و سست ایمانن و با هم نتیجه نگاه کردن اونا به لباس و تیپ تحریک کننده دخترا و خانوما رو بررسی کنیم. می‌خوام یک جریانی رو براتون بگم.

در اونجا چشمم به دخترای زیادی می‌افتاد ...

جوونای رو که متهم به قتل دختری بود، دستگیر کردن و آزش سوال کردن که چرا همچین جنایتی کردی؟



گفت: من جوونی مجرد بودم که مثل خیلی‌های دیگه به هزار زحمت دیپلم گرفتم و رفتم دانشگاه. در اونجا چشمم به دختری زیادی می‌افتاد که با لباس‌های چسب و بدن‌نما و چهره‌های آرایش کرده، تو حیاط دانشگاه قدم می‌زدن و در کلاس‌های دانشگاه شرکت می‌کردن و رعایت هیچ چیزی رو نمی‌کردن. من که هم جوون و هم مجرد بودم، با دیدن این دخترا به شدت تحریک می‌شدم و بهم فشار می‌اومد.



به همین دلیل یواش یواش با اون دخترا طرح دوستی ریختم و یکی از اونها رو فریب دادم و به اسم اینکه می‌خوام باهاش ازدواج کنم، با اون دوست شدم و در طول زمان دوستیم با اون، آزار و اذیتش کردم و خودم رو به مقاصد شهوانیم رسوندم. بعد از مدت‌ها اون یک روز گفت من باید باهاش ازدواج کنم.



من هم که نمی خواستم باهش ازدواج کنم، انقدر امروز و فردا کردم تا اینکه یک روز کارمون به دعوا کشید. با اون گلاویز شدم، وقتی به خودم اوادم، متوجه شدم که اون رو خفه کردم و مُرده!

به نظر شما چه چیزایی موجب شدن این جوون، اینقدر تحریک بشه و به اسم دوستی یا ازدواج، تصمیم به آزار و اذیت این دختر رو بگیره؟ دلایل مختلفی داره ولی مهمترینش رو که خودش هم گفته، دخترایی بودن که با چهره آرایش کرده و لباس های تنگ و بدن نما، اونو به شدت تحریک می کردن.

حواسا جمع! پسرا حاضر نیستن ...

این نکته رو توجه داشته باشین که اکثر پسرا حاضر نیستن با دختری ازدواج کنن که حاضر شده با اونا ارتباط برقرار کنه، چون با خودشون میگن این دختری که حاضر به ارتباط با من شده، چه بسا قبلاً یا همین الان با یکی دیگه باشه یا بعد از ازدواج با یکی دوست بشه و با اون ارتباط برقرار کنه، همون طور که حاضر شد با من دوست بشه و با من ارتباط برقرار کنه و من هیچ وقت حاضر نیستم برای ازدواج، اونو انتخاب کنم.

۱- حجاب بیانگر شخصیت زن، ص ۷۶



البته بعضی از پسر با دوست دخترشون ازدواج میکنند ولی متأسفانه خیلی از اونا بعد از ازدواج با خودشون می‌گن نکنه زنم، همینطور که قبل از ازدواج حاضر شد با من دوست بشه، الان هم با یکی دوسته؟ و این موجب میشه ده‌ها مشکل توی زندگیشون پیش بیاد.

شاید دختری حاضر باشه که ...



شاید دختری حاضر باشه که خدای نکرده با پسری بگه و بخنده، یا حاضر بشه با پسری بستنی بخوره و بره پارک قدم بزنه و باهاش ساعتی صحبت کنه، ولی هیچ دختری حاضر نیست که مورد آزار و اذیت قرار بگیره. اما این رو بدونین که پسر

در انتهای این دوستی‌ها و پارک رفتن‌ها و بستنی خوردن‌ها و صحبت کردن‌ها و خندیدن‌ها، خواسته یا ناخواسته به این سمت میرن.





آزار و اذیت اما به اسم دوستی یا ازدواج

نگاه کردن پسر به چهره های آرایش کرده و مانتوهای کوتاه و تنگ دخترا و خانوما، مهمترین دلیل تحريك شدن پسر است و در موارد زیادی این جَوونا بخاطر فشاری که بهشون میاد، با استفاده از جلب اعتمادی که به وسیله ی دوستی ایجاد کردن، دست به آزار و اذیت می زنن. می دونین کسی که مورد آزار و اذیت قرار می گیره، چه حالی داره و آزار و اذیت در نگاه يك دختر یعنی چی؟

آزار و اذیت در نگاه يك دختر یعنی از دست رفتن عفت، یعنی وحشت از افشا شدن، یعنی فشارهای روحی فراوان، یعنی و یعنی و دهها یعنی دیگه.



شاید هیچ قصدی ندارن، ولی ...

آیا دخترا و خانومایی که با چهره های آرایش کرده و مانتوهای تنگ و کوتاه، موجب تحريك شدن پسر می شن، نباید پاسخگو باشن؟ آیا اونا از این تاثیرها با خبرن؟ نه، متأسفانه اکثراً نمی دونن و شاید هیچ قصدی هم نداشته باشن ولی باید بدونن که از لحاظ علمی، با این تیپ زندهاشون ناخواسته زمینه آزار و اذیت رو برای خودشون و دیگران فراهم می کنن و در آزار و اذیت خیلی از دخترا شریکن.

بنابراین، نتیجه تحريك مجردای سست ایمان:



دوستی به نام عشق یا ازدواج و پس از مدتی از بین بردن سرمایه عفت و آبروی دختران





دسته دوم؛ افراد هرزه و لآبالی

می‌خوایم ببینیم نتیجه دید زدنِ آدمای هرزه، به تیپ و آرایش خانوما و دخترها، سرکوجه‌ها و چهارراه‌ها چیه؟

سرکوجه‌ها و چهارراه‌ها داره چه اتفاقی می‌افته؟

برای توضیح این دسته دوم مردا و جوونا، می‌خوام یک جریانی رو برای شما بگم که هر روز بارها داره اتفاق می‌افته. کجا؟

سرکوجه‌ها و چهارراه‌ها و خیابونای شهرمون. یه آدم هرزه، سرکوجه وایستاده و هر دختری یا خانمی که رد میشه رو کاملاً انداز و رانداز می‌کنه و موها، آرایشها و لباسهای تنگ و بدن‌نمای اونو و اندامشون رو بررسی می‌کنه.

نفر اول، نفر دوم، نفر سوم و تا ساعتها کارش همینه.





میدونین بعد از این نگاه کردن ها چه حالی بهش دست میده؟ اینتقدہ
تحریک میشه که حاضرہ برای رسیدن به مقصودش هرکاری بکنه.

شما میگی بهش بگیم نگاه نکنه؟

بابا اون آدم رذلیه که هیچی براش مهم نیست و چه بسا تا حالا
به خاطر دزدی و خلاف‌های زیادی گرفتنش و اهل گوش کردن به
همچین حرفایی نیست.



ماشینایی که جلوی دخترا بوق می زنن

کی تا حالا دیده ماشینایی رو که جلوی خانوما و دخترا بوق میزنن؟
ترمز میزنن و میخوان اونارو سوار کنن؟

فکر می‌کنین اونارو تو چه فکری آن؟ می‌دونین که خیلی از اونارو کسایی هستن که دنبال شکار اون روزشونن و در نهایت می‌خوان طرف رو آزار و اذیت کنن. تا حالا موارد زیادی بوده که ماشینیی، خانومی رو سوار کرده و بعد با تهدید اونو آزار و اذیت کرده. عده این آدمار کم نیستن!



ماجرای خفاش شب و عقرب سیاه و قاتل عنکبوتی، فقط نمونه‌های کمی از تعداد زیاد آزار و اذیت‌هاییه که تا حالا توی روزنامه‌ها و رسانه‌ها گفتن و شاید شما هم شنیده باشین.



کیا بیشتر مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرن؟

می‌دونین که اکثر کسانی که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرن، کدوم دسته از دخترا و خانوماین؟ اونا افرادی آن که با آرایش و لباس تنگ و بدن نما شون خودشونو جذاب کرده بودن.



چراغ سبز!

معمولاً تو خیابون، آدمای هرزه و رذل با ماشینشون، جلوی پای کسانی بوق میزنن و پیگیرشون میشن که با رفتار یا پوشش شون به اونا چراغ سبز نشون میدن. اونا لباس و مانتو چسب یا چهره آرایش کرده رو چراغ سبز می‌بینن، گرچه طرف مقابلشون هیچ قصد بدی نداشته باشه.

ماجرای میدان آزادی تهران

به عنوان نمونه، چند سال پیش تلویزیون خبری رو درباره مزاحمت یه عده از مردای هرزه اعلام کرد. اونا بعد از دستگیری، اعتراف کردن که با ماشین شخصی به عنوان مسافرکش، تو میدون آزادی تهران حاضر





می‌شدن و از بین دختر و خانوما، کسانی که دارای چهره‌های آرایش کرده‌تر و مانتوهاشون تنگ‌تر و کوتاه‌تر بودن رو انتخاب و به هوای مسافركشی سوار می‌کردن. بعد اونا رو می‌دزدیدن و هر بلایی که می‌خواستن سرشون در می‌آوردن و اموالشون رو سرقت می‌کردن و تو جاده‌های بیرون شهر، رهاشون می‌کردن.

می‌دونین برای چی این دختر و خانوما رو انتخاب می‌کردن؟ چون این دختر و خانوما به خاطر لباس تنگ و چهره آرایش کرده و تیپشون، اون آدمای رذل رو بیشتر تحریک می‌کردن.

تو آمریکا چه خبره؟

خوبه بدونین که تو کتاب «روانشناسی زنان» نوشته خانم جانیت شیپیلی اومده:

طبق مطالعات انجام شده، زنانی که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، بعد از این حادثه، وقتی که به سرزنش خود می‌پردازند، می‌گویند: اگه من آن بلوز تنگ رو نپوشیده بودم، اگه آن دامن کوتاه رو تنم نکرده بودم





... (این اتفاق برام نمی افتاد).

جالبه بدنین که تو آمریکا، هم آزار و اذیت به خانوما بسیار زیاده و هم اینکه علت اصلی این آزار و اذیتا، نحوه لباس پوشیدن خانوما و دختراست. شاهدش هم صحبت‌های یک خانوم تازه مسلمون آمریکاییه که براتون می گم. اون میگه:

در زمستان که مردم مجبورند به خاطر سردی هوا، خود را پوشانده و پوشش بیشتری داشته باشند، به طور طبیعی و کاملاً محسوس در آمریکا، آزار و اذیت نسبت به زنان کمتر می شود، ولی در تابستان که ... به بهانه گرما، اعضای حساس بدن خود را در معرض دید مردها قرار می دهند، آزار و اذیت نسبت به زنان، حتی پیرزنان نیز افزایش می یابد!

خب، گفتیم وقتی که یک آدم هرزه و رذل سرکوجه می ایسته و لباس ها و تیپ‌های تحریک کننده خانوما و دخترارو می بینه، مثل بمبی میشه که می خواد منفجر بشه. از طرفی شدیداً تحریک شده و از طرفی آدم رذلیه، مثل حیوون درنده‌ای که هیچ چیزی براش مهم نیست.



حتی حاضره توی این راه، آدم هم بکشه. تا جایی که در یک فرصت پیش اومده دست به آزار و اذیت میزنه.



دادگاه محاکمه برای این آدم کیف میدارن؟

برای این آدم رذلی که دختریا خانومی رو آزار و اذیت کرده، دادگاه محاکمه میدارن؟ بگذارن، اشکالی نداره. باید اعدامش کنن؟ بله، حتماً اعدامش کنن.

ولی انصاف بدین، آیا اون شصت هفتاد نفری که این آدم رذل و کثیف، به اونا نگاه می کرد و از لباس و تیپشون به شدت تحریک شد، تو این آزار و اذیت هیچ سهمی ندارن؟ قطعاً دارن.

ولی وقتی رفتن خونه هاشون از هیچ چیزی با خبر نشدن که بعدش چه اتفاقی افتاد. حتی اگه خبر آزار و اذیت رو شنیدن، به شدت محکوم کردن، در صورتی که خودشون هم توی این آزار و اذیت سهم داشتن ولی خبر نداشتن.



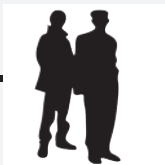


اما روحیه از دست رفته و ...

ببینین؛ این آدم بی خود مزخرف از دیدن پوشش و لباس‌هایی که گفتیم، به شدت تحریک میشه و چون آدم بی خود و مزخرفیه، دست به جنایت میزنه. بر فرض که اون آدم هرزه رو حتی اعدامش کنن، اما روحیه از دست رفته و آبروی ریخته شده دختر یا خانمی که آسیب دیده و احساس بدی که نسبت به آینده پیدا می‌کنه رو کی می‌خواد جبران کنه؟ آیا واقعاً اون شصت هفتاد نفری که در این حادثه سهیم بودن، باورشون میشه که نحوه لباس پوشیدن و تیپ زندشون به چنین فاجعه‌ای منجر می‌شه؟

چه بسا، اکثر این افراد هیچ نیت بدی نداشتن و آگه می‌دونستن که همچین اتفاقاتی از لباس پوشیدن و تیپ زدن اونا پیش میاد، اصلاً اینطور راه نمی‌رفتن.

بنابراین، نتیجه تحریک افراد هرزه و لالابالی:



آزار و اذیت دختران و زنان





دسته سوم؛ مردهای ازدواج کرده اما سست ایمان

خب، توی دسته سوم با گروه بعدی مردا مواجه میشیم. مردایی که بنا به وظیفه همسریشون هر روز مدت زیادی رو بیرون از خونه، مشغول کارن تا مخارج خانواده شون رو تأمین کنن.



این مردا در طول روز با خانومای زیادی که آرایش کردن یا لباس های تنگ و نامناسب پوشیدن، تو کوچه و خیابون و محل کار مواجه میشن و متأسفانه خیلی هاشون به اونا نگاه میکنن و تحریک میشن و از لحاظ علمی اگه ببینن و اینطور نشه غیرطبیعیه.



مَرده رفته تو خیابون و چند نفر خوش تیپ تر از خانومش رو دیده ...

بذارین براتون يك جریانی رو تعریف کنم: مَرده داشت از سر کارش بر می‌گشت، توی خیابون از کنار دخترا و خانومای زیادی رد می‌شد و متأسفانه به خیلی هاشون که می‌رسید، نگاهشون می‌کرد.

حتماً توجه دارین که خیلی از اون خانوما و دخترا که اون آقا می‌دیدشون، از خانوم خودش زیباتر و جوونتر بودن. البته اکثر اون دخترا و خانومایی که با تیپ زده‌ها و آرایش کردن هاشون، از کنار این مرد و ده‌ها مرد دیگه رد می‌شدن، هیچ قصد بدی نداشتن و یا نمی‌دونستن که این تیپ زدنشون، توی زندگی دیگران چه تاثیری داره.

این آقا رفت خونه‌ش. بعد از نهار، وقتی داشت چایی می‌خورد، با خودش در حال فکر کردن بود که یه مرتبه یادش اومد از اون خانوما و دخترای زیبایی که توی راه دیده بود، و اونها رو تو ذهنش، با خانوم خودش مقایسه کرد.

آره! مَرده چونکه چند تا زن خوش تیپ تر از خانوم خودش رو دیده ...

فکر می‌کنین توی این خانواده داره چه اتفاقی می‌افته؟ آره، مَرده چون رفته توی خیابون و چندتا خانوم و دختر خوش تیپ تر





و زیباتر از خانومش رو دیده که خودشون رو حسابی درست کردن و تیپ زدن، نسبت به خانومش مقداری دلزده شده.

اینومی دونین که مثل این اتفاق هرروز داره بارها برای خیلی از مردا پیش میاد؟ مردای شهرای دور دور نه‌ها! مردای همین شهر خودمون.

میگی: مردا نباید نگاه کنن؟

آخه چرا این اتفاق هرروز داره برای خیلی از خانواده‌ها می‌افته؟ مردا نباید نگاه کنن؟ اونا باید چشماشونو درویش کنن؟ بله نباید نگاه کنن. خیلی کار اشتباهی می‌کنن. ولی به هر حال خیلی هاشون نگاه می‌کنن یا ناخواسته چشمشون می‌افته.

ما قبول داریم که خیلی از این مردا با نگاه کردنشون، تقصیرکارن اما به نظر شما آیا اون دخترا و خانومایی که با آرایش کردنشون، با مانتوی تنگ و چسب پوشیدنشون و با تیپ زدنشون، تو خیابون میان، هیچ تقصیری ندارن؟

واضحه که تقصیردارن. خیلی هاشون آدمای خوبی هستن ولی نمی‌دونن که با تیپ زدنشون دارن به زندگی خیلی از خانومای دیگه لطمه وارد می‌کنن. البته اینو هم توجه داشته باشین که خیلی از مردا آدمای خوبی هستن و اصلاً توی همچین فکرا و حرف‌هایی نیستن.



من که خوش تیپ کردم

من که خوش تیپ کردم و رفتم تو خیابون، آیا فکرشو می‌کردم که یه مردی نگاهش به من افتاد و رفت تو خونه‌ش و من رو با خانومش مقایسه کرد و یه مقداری نسبت به خانومش دل چرکین شد؟ اصلاً همچین فکری می‌کردم؟ من خبردارم یا نه، که تا حالا ناخواسته چند مرد رو نسبت به خانوماشون دلزده کردم؟

خانومه میگه: من اصلاً فکرشونمی‌کردم این تیپ زدنم باعث شه یه مردی نسبت به خانومش دلزده بشه! منم میگم: آره، منم قبول دارم. ولی خودت حساب کن. آیا همچین جریانی پیش میاد یا نه؟

آیا احتمال نمیدم شوهر من هم ...

به هر ترتیب هرکسی که ازدواج نکرده باشه، بالاخره يك روزی ازدواج می‌کنه و شوهرش بیرون از خونه، دخترا و خانومای جوونتر و زیباتراز اونو، که تیپ زدن می‌بینه.

خب من که با تیپ زدنم ناخواسته موجب شدم در طول این چند سال، دل ده ها مرد نسبت به خانومشون چرکین بشه، احتمال نمیدم چندین نفرهم پیدا بشن و شوهر من رو نسبت بهم دلزده کنن؟ جوری که با خودش بگه کاشکی اونا زن من بودن.



از هردست که بدی، با همون دست پس می‌گیری!

دختر خانومه میگه که: خب، من چه رعایت بکنم چه نکنم، بعداً افرادی پیدا میشن که دل شوهرم رو ببرن!

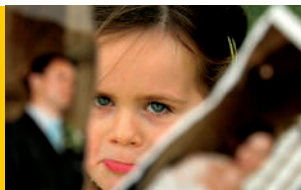
نه، اینطور نیست دقت کنین، حتماً شنیدین که میگن: اگه کسی در حق دیگران ظلم بکنه، احتمال اینکه به خودش هم ظلم بشه خیلی بیشتر از دیگرانه و از هردست که بدی، با همون دست پس می‌گیری!

حالا، من که خوش تیپ کردم و با این چهره اومدم تو خیابون و دل خیلی از مردارو نسبت به همسرشون چرکین کردم، احتمال اینکه این جریان به سرخودم هم بیاد خیلی بیشتر از کسائیه که رعایت کردن.

یا من که با خوش تیپی و آرایشم باعث شدم پدر خیلی از دختران نسبت به مادرشون دلسرد بشن و اون دخترا با رنج دعوای پدر و مادرشون اذیت بشن، احتمال اینکه همین بلا به سرخودم بیاد خیلی بیشتر از دیگرانیه که رعایت کردن.

اگه تصمیم بگیره دیگه اون کار رو انجام نده

البته این رو توجه داشته باشین که در خیلی از خطاها، اگه کسی که اون کار خطا رو انجام میده، تصمیم بگیره که دیگه انجامش نده، از یک جهت مثل کسی می‌مونه که اصلاً اون خطا رو انجام نداده.



قانون نانوشته



قانون نانوشته، قانونیه بین همه زن و شوهرها، قانونیه حاکم بر زندگی‌ها. بذارین براتون توضیح بدم.

یه دختری که می‌خواد ازدواج کنه، معمولاً دارای یکی از این دو تفکره: اول اینکه کسی باشه که اهل تیپ زدن و آرایش کردنِ توی جامعه باشه. در این حالت زمانی که می‌خواد ازدواج کنه، شوهر آینده‌اش با شناختی که از اون داره باهاش ازدواج می‌کنه و اونو با همون پوشش‌اش قبول داره، چه اشکالی داره؟ این هم یه تفکرِ دیگه.

دو، در این نوع زندگی‌ها معمولاً یک قانون نانوشته بین زن و مرد وجود داره و اون اینکه مرد با خودش می‌گه: من زنم رو راحت گذاشتم که هر جور می‌خواد لباس بپوشه و توی خیابون راه بره، این اُمَل بازی‌ها چیه؟ از طرفی خودم هم می‌خوام راحت باشم و به خانوما و دختران نگاه کنم. مگه اشکالی داره؟



آیا به نظر شما این خوبه که این آقا، راحت به خانوما و دخترای دیگه نگاه کنه؟



این یک معادله هست.

توی این حالت، احتمال اینکه این مرد جزء دسته سوم مردا بشه و خانوما و دخترای دیگه رو با همسرش مقایسه کنه، کم نیست ها.

دومین تفکر اینه که دختر خانومه کسی باشه که معتقدن نحوه پوششش تو جامعه باید جوریه باشه که موجب جذب نگاه مردا و جوونا به خودش نشه و پوشش کاملی داشته باشه. این خانم وقتی ازدواج می‌کنه،

بین اون و شوهرش هم قانون نانوشته‌ای وجود داره و اون اینه که چون خانوم رعایت می‌کنه، پس مرد هم بایستی عفاف رو رعایت کنه و به خانومای دیگه نگاه خاصی نداشته باشه و همدیگه رو در عقیف بودن کمک می‌کنن و احتمال اینکه شوهرای این خانوما جزء دسته سوم مردا بشن، خیلی کمتره.

اینجا شاید یک خانم ازدواج کرده بگه: حالا که فهمیدم این تیپ زدن من، به زندگی دیگران و همچنین به زندگی خودم لطمه می‌زنه، از الان می‌خوام رعایت کنم و توخیابون یک طوری راه برم که مردای دیگه حواسشون بهم پرت نشه، از طرفی می‌خوام شوهرمم حواسش به خانوما و دخترای توخیابون پرت نشه، چکار کنم؟

حل این مشکل، یک شبه ممکن نیست.

راهش هم جرو بحث با شوهر نیست.



راهش اینه که در طول زمان، صریح و با محبت به شوهرش بفهمونه تیپ زدن اون خانوم تو خیابون اشتباهه و از طرفی نگاه کردن شوهرش هم به دیگران درست نیست.

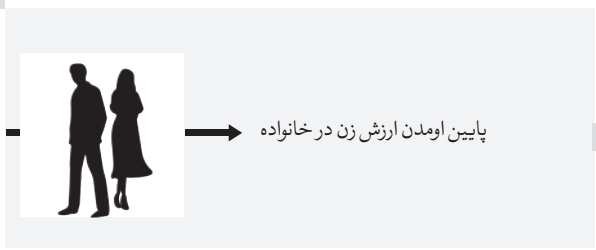
از طرفی لازمه راهی که خدا دوست داره رو پیش بگیره یعنی مثلاً آگه تو خونه شون ماهواره داره یا اهل موسیقی هست یا جزء کساییه که اهل خنده و شوخی با نامحرمه، دست از این کارا برداره و بیشتر به سمت خدا بره.

تو این مسیر، توکل به خدا و مشاوره خیلی کمک میکنه.

«لیندزی کان» میگه:

وقتی مرد پذیرفت که بنگرد و زن پذیرفت که نگریسته شود، مردان به زنان می نگرند و زنان به خود نگاه می کنند که مورد تماشا قرار گرفته اند. [به نقل از جان برگ] آیا دیگر چیزی برای دفاع باقی می ماند؟ چرا مرد به خانه و خانواده وفادار باشد؟ اصلاً چرا خانه و خانواده شکل بگیرد؟^۱

بنابراین، نتیجه تحریک متأهل های سست ایمان:



۱- مقاله معروف (مردان می نگرند و زنان نگریسته می شوند) لیندزی کان





دسته چهارم؛ بقیه مردا و جوونا

دسته چهارم، بقیه مردا و جوونای جامعه هستن. فکرمی‌کنین تأثیر نگاه اونا به تیپ و آرایش و لباسای تنگ و بدن‌نمای خانوما و دخترا چیه؟ اول بگذارین یه چیز جالب براتون بگم.

قوانین دانشگاه‌های اروپا و آمریکا

خوبه بدونین که خیلی از دانشگاه‌های اروپا و آمریکا، درباره پوشش دخترا به چه نتایج علمی‌ای رسیدن و برای پیشرفت علمی شون چه قوانینی رو وضع کردن. با همدیگه بعضی از قوانین دانشگاه‌های این کشورا رو مرور می‌کنیم:

دانشگاه تگزاس آمریکا

(Texas):

- شلوار نباید تنگ و چسبان باشد.
- پوشیدن لباس‌های بدن‌نما مجاز نمی‌باشد.
- استفاده از زیورآلات ناخن و ناخن‌مصنوعی ممنوع می‌باشد.





دانشگاه آکسفورد (Oxford)

- زنان باید ظاهری آراسته و مناسب داشته باشند.
- لباس زنان نباید پشت باز یا بدون آستین، تنگ و بالای زانو باشد.



دانشگاه مری واشنگتن (Mary washington)

- دانشجویان بایستی از پوشیدن لباس‌هایی که بخشی از بدن را در معرض دید قرار می‌دهند خودداری کنند.



دانشگاه گرین ویل شمالی آمریکا (North Greenville)

- لباسی که به صورت نامناسب، اندام‌ها را نشان می‌دهد مجاز نمی‌باشد.
- دامن‌ها باید با اندازه مناسب بوده و کوتاه نباشد!



اینها فقط قوانین چند دانشگاه بود که به عنوان نمونه بیان کردیم. فکر می‌کنین مسئولین این دانشگاهها، که همچین قوانینی رو وضع کردن، آدمای خیلی مذهبی‌ای بودن؟ و این قوانین رو به خاطر اعتقادات مذهبی‌شون وضع کردن؟ قطعاً اینطور نیست.

می‌دونین برای چی همچین قوانینی رو وضع کردن؟

به خاطر اینکه بعد از کلی تحقیقات علمی، به این نتیجه رسیدن که: اگه بخوان از اُفت تحصیلی دانشجو‌هاشون جلوگیری کنن، علاوه بر سخت‌کوشی و برنامه‌ریزی و منظم بودن، باید یک عامل مهم دیگه رو هم رعایت کنن و اون اینه که دخترا توی دانشگاه، به نحوی رفت و آمد کنن که پسری تحریک نشه. چون زمانی که یک پسر تحریک میشه قسمتی از ذهنش مشغول میشه و اون فرد به همون میزان که ذهنش مشغول شده، اُفت تحصیلی پیدا می‌کنه و این یعنی پایین اومدن سطح علمی دانشگاهشون.

موقع کار چی پیش میاد؟

دقیقاً همین جریان درباره اُفت اقتصادی یک جامعه هم هست. یعنی اینکه یک مرد شاغل، وقتی داره میره محل کارش و توره با چهره آرایش کرده و لباس های بدن نمای خانوما مواجه میشه، در موقع کار کردن مقداری از ذهنش به اونا مشغول میشه و این یعنی اُفت راندمان



اقتصادی این مرد و دهها مرد شاغل دیگه توی جامعه.

بنابراین، نتیجه تحریک بقیه مردا و جسون:



ضعیف شدن فعالیتهای علمی و اقتصادی

بعضیا میگن: توی غرب همه چیز طبیعییه و مشکلی نیست



شاید بعضیا بگن: تو غرب، هیچ کس به کسی نگاه خاصی نداره و همه چیز طبیعییه، پس اگه تو کشور ما هم، همه دخترا و خانوما مثل غرب لباس بپوشن، برای مردا طبیعی میشه.

کی گفته؟ اینطور نیست که تو غرب، همه چیز طبیعی شده باشه. نمونه اش اینکه:

براساس گزارش حقوق کودکان در سال ۲۰۰۶:

بلیژیک از پایگاه‌های فروش کودکان و قاچاق انسان است و اکثر قربانیان آن دختران و زنان جوان اروپای شرقی هستند که با هدف به‌کارگیری در مراکز فحشا فروخته شده‌اند.^۱

۱- وای وای اروپا، آمریکا، ص ۲۲



۸۰ درصد از زنان پلیس انگلیس در شیفت‌های کاری خود در معرض آزار و اذیت قرار می‌گیرند. دکتر جنیفر براون، محقق اجتماعی می‌گه: این آمار، آمار وحشتناکی است آن هم هنگام نوبت‌های کاری‌شان که وظیفه‌شان برقراری امنیت است.^۱



طبق اسناد و آمار سازمان ملل، بین ۴۰ تا ۵۰ درصد زنان اتحادیه اروپا متحمل یکی از اشکال استعمار جنسی در محل کار خود شده‌اند.^۲

طبق گزارش مرکز برابری زنان، ۳۰ الی ۵۰ درصد زنان در یونان در معرض خشونت و تجاوز جنسی در محل کار خود قرار گرفته‌اند.^۳

یک زن ۲۹ ساله مکزیکی می‌گه:



وقتی ما در اتوبوس هستیم، مردان مرتب برایمان ایجاد مزاحمت می‌کنند. دولت مکزیکی اتوبوس‌هایی مخصوص حمل و نقل بانوان، را وارد سیستم حمل و نقل خود کرد.^۴

پیلینت روث: رواج فرهنگ برهنگی نه تنها آن را به صورت عادی و یک چیزی بی اهمیت در نمی‌آورد، بلکه عطش روحی را افزایش می‌دهد.

۱- خبرگزاری ایونا

۲- وای وای اروپا آمریکا، ج ۱ ص ۱۰

۳- وای وای اروپا آمریکا، ص ۲۸

۴- مجله پیام زن بهمن و اسفند ۸۶



در عین حال قبوله که توی غرب، افرادی هم هستن که دیدن دخترا و خانومای تو جامعه، اونا رو کمتر تحریک می‌کنه، اما می‌دونین علتش چیه؟

این مردا اینقدر تو منجلاب فساد و ارتباط با زنهای مختلف غرق شدن که دیگه نگاه کردن به زنهای توی جامعه چیزی براشون حساب نمیشه. درسته؛ برای این دسته از مردا نگاه به دخترا و خانومای تو خیابون، مقداری طبیعی شده، **اما به چه قیمتی؟**

به قیمت از هم پاشیده شدن خانواده‌ها، به قیمت ازدواج نکردن جوونا، به قیمت غرق شدن آدما تو منجلاب فساد. اگه بخوایم به این نگاه طبیعی برسیم، باید همچین هزینه‌ای بکنیم و این خیلی هزینه زیاده.



چرا به مردا چیزی نمی‌گین؟

شاید يك نفر با خودش بگه که: چطور؟ مردا هر جور خواستن به خانوما نگاه کنن، اشکالی نداشته باشه. همه‌ش، خانوما باید رعایت کنن؟ چرا به مردا چیزی نمی‌گین؟



ما هم همین نظر رو داریم. ما هم قبول نداریم که مردا به هر خانومی، هر جور خواستن نگاه کنن. البته همه‌ی مردا اینجوری نیستن‌ها، ولی اونایی که این کار رو انجام میدن، کارشون خیلی اشتباهه. حتماً به این مردا باید گفته بشه که این کارشون اشتباهه. ضمن اینکه در قرآن هم در سوره نور آیه ۳۰ اومده که مردا نباید به خانوما عمداً نگاه کنن.^۱

ولی انصاف بدین، همیشه که یك مرد تو خیابون که راه میره همه‌ش سرش به زمین چسبیده باشه. خب معلومه که همیشه. حداقل سرش میاره بالا که جلوی راهش رو نگاه کنه و در نتیجه چشمش می‌افته و باز تمام اون اتفاقاتی که با هم مرور کردیم، پیش میاد. پس باید هر دو تا دقت کنن. هم مردا نباید نگاه کنن و هم خانوما باید پوشش شون رو رعایت کنن. بینین؛ زیبایی و لطافت و جذابیت زیاد، مال خانوماست. اگه آدم یك جنس ارزشمند داشته باشه، هم بقیه نباید چشمشون به جنس اون باشه و هم خود اون فرد، نباید جنسش رو در معرض دید قرار بده.

مثلاً کدوم آدم پیدا میشه که در ماشین گرون قیمتش رو باز بگذاره و بگه: جامعه باید رعایت کنن و دزد نباید ماشینم رو ببره!

۱- قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ ...

به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند...





آره، آدم در ماشینش رو قفل می‌کنه و از طرفی جامعه هم باید رعایت کنه و هر کدوم از این دو تا رو حذف کنیم یک جای کار اشکال داره. یک مثال دیگه:

طلافروش و دزد

آیا کسی از نزدیکانتون طلافروش هست؟ این رو می‌دونین که یک طلافروش، شب موقعی که می‌خواد بره خونه‌ش، از ترس طلاهاش رو داخل گاوصندوق می‌ذاره و اونو قفل می‌کنه. کلیدی از بالا و کلیدی هم از پایین گاوصندوق میزنه و رمزی هم برای اون انتخاب می‌کنه، کلید دزدگیر گاوصندوق رو هم میزنه. دوربین مدار بسته‌ای که به گاوصندوق مشرفه رو هم روشن می‌گذاره و در شیشه‌ای مغازه رو هم می‌بنده. تلفن مغازه رو به پلیس ۱۱۰ و یا تلفن منزلش وصل می‌کنه، تا اگه دزدگیر کار کرد، تلفن منزلش زنگ بخوره. کرکره مغازه رو هم پایین میاره و چند قفل از داخل و چند قفل هم از بیرون میزنه.





اگه ازش سوال کنی که چرا اینقدر می ترسی، راحت باش. اینهمه قفل زدن نمی‌خواد، در جواب می‌گه: باید هم بترسم، چون من جنس باارزشی دارم.

زن که از زیبایی و قدر و قیمت بالایی برخورداره، نسبت به اینکه هر کسی زیبایی‌های اون رو ببینه و مورد نگاه‌های هوس آلود نامحرما و دستبرد اونها قرار بگیره، مواظبه و به راحتی اجازه نمیده که هرکسی از زیبایی‌های اون بهره‌برداری کنه مثل همون طلافروش که طلاهای با ارزشش رو مواظبت ویژه می‌کنه.^۱

۱- با استفاده از کتاب رازهای ارتباط با جنس مخالف، ص ۱۵۰





دیوار بلند. لازمه؟

چرا آدم‌ها به دور خونه‌هاشون دیوار می‌کشن و روی دیوارها، حفاظ نصب می‌کنن؟ آگه درهای خونه‌هاشون چوبی باشه، چرا اونارو آهنی می‌کنن و آگه دیواراشون کوتاه باشه، چرا اونارو بلند می‌کنن؟ آیا همه اینا برای سختی شونه یا راحتی شون؟

آگه کسی دیوار خونه‌ش بلند بود و کوتاه کرد، یا حفاظ داشت و اون رو برداشت، یا در خونه‌ش بسته بود و برای همیشه باز گذاشتش، آیا این موجب راحتی، آرامش و آسایش شخصی یا موجب ناآرامی اون میشه؟



همونطور که درهای ایمن، دیوارهای محکم و بلند و ... برای راحتی خونه‌هاست، حجاب هم برای راحتی و آرامش خانوماست. پس اسلام که برای زن حجاب رو آورده، برای مشقت و سختی اونا نیست بلکه برای راحتی شونه.^۱

۱- با استفاده از کتاب تمثیلات، ج ۲، ص ۱۳۹





خلاصه تمام مطالب توی کلام امام رضا علیه السلام

دانشمندا خیلی وقتا، باید کلی تلاش کنن که تازه بعد از سالها به يك نتیجه‌ای برسن، در حالی که ما، در کنارمون اقیانوسهایی از علم و حکمت داریم که اونا قرآن و سخنان ائمه معصومین علیهم السلام هست. خوبه بدونین تمام مطالبی که توی چند صفحه گذشته گفتیم، خلاصش توی کلام گهربار امام رضا علیه السلام هست که ایشون می‌فرمایند:

نگاه کردن به موهای زنان حرام است، زیرا این نگاه، مرد را تحریک نموده و این تحریک، مرد را به فساد و آنچه حلال نیست می‌کشاند و همچنین است حکیم غیر مو که نگاه مرد به آنها حلال نیست. مگر... (مگر پیرزنانی که امید به ازدواج با آنان نیست که آنان می‌توانند غیر جلاباب [روسری] بقیه پوشش سر خود را بردارند) ^۱





دلت پاك باشه

بعضیا میگن: دلت پاك باشه، مهم نیت آدمه، ظاهر اهمیتی نداره. چه اشکالی داره آدم اینجوری فکر کنه؟



برای بررسی این موضوع اول يك مثال می‌زنم؛ شما پولتون رو تو دستتون می‌گیرین و تو خیابون میرین و نیت شما هم پاكه. قطعاً نمی‌خوان کسی پولهای شما رو بدزده چون به نیت دزدیده شدن پولهاتون، اونا رو از تو جیتون بیرون نیاوردین. آیا در این صورت دزد میاد و از شما سوال می‌کنه که: «آیا نیت شما اینه که من پولهای شما رو بدزدم؟» و بعد دزدی می‌کنه یا خیر!

کسی که زیبایی خودش رو جلوی چشمای دیگران قرار میده، آیا ازش سؤال می‌کنن نیت شما اینه که من مزاحم شما بشم؟

مسلماناً همچین سؤالی از اون خانم نخواهد شد و به نیت اون خانم کاری ندارن. بلکه فرد مزاحم نگاهی به ظاهر اون خانم می‌کنه و این حرف بی خود توی ذهنش میاد: این خانوم می‌خواد من مزاحمش بشم، اگه نمی‌خواست که با این تیپ بیرون نمی‌اومد.

خیلیا دلشون پاكه و این هم خیلی خوبه، ولی پاك بودن دل کافی نیست، بلکه لازمه يك خانوم ظاهرش هم جورى باشه که آدمای



مزاحم رو به سمت خودش جلب نکنه.^۱

ماجرای ماهیچه پلك چشم



می خوام به جریانی رو براتون تعریف کنم: یکی می‌گفت: يك روز رفتم دکتر. وقتی که داشتم با آقای دکتر حرف می‌زدم، دیدم ایشون هر از چند گاهی دستش رو روی پلك چشمش می‌ذاره و اون رو می‌بره پائین و میاره بالا. وقتی این کار رو چند بار تکرار کرد، از آقای دکتر پرسیدم: آقای دکتر، این چه کاریه که شما انجام میدین؟

می‌دونین ایشون چی جواب داد؟

اون گفت: من ماهیچه پلك چشم که وظیفه‌ش باز و بسته کردن پلكمه، از کار افتاده و نمی‌تونم چشمم رو ببندم، برای همین لازمه این کار رو با دستم انجام بدم. آگه هم این کار رو انجام ندم و یکسره چشمم باز باشه، رطوبتش خشك میشه و آسیب جدی به چشمم وارد میشه. دوستان: ماهیچه پلك چشم، یکی از هزاران نعمتیه که خدا به ما داده که آگه به هر کدومشون فکر کنیم، می‌بینیم مثل همین ماهیچه پلك چشممون مهم هستن.

۱- با استفاده از کتاب رازهای ارتباط با جنس مخالف، ص ۱۵۴





همین خدا گفته

اصلاً تا حالا فکر کردیم که آگه خدای متعال به هر دلیلی به ما این همه نعمت رو که داده، نمی داد چی می شد؟ مگه ما آدم کور ندیدیم که تا حالا يك تصویر رو هم ندیده؟ مگه آدم فلج ندیدیم که تا آخر عمرش هم نمی تونه يك بار روی پای خودش بایسته و قدم برداره؟
خب؛ خدایی که به ما این همه نعمت داده، همین خدای مهربان تو قرآنش بهمون گفته پوشش کامل داشته باشیم.





کجای قرآن اومده پوششش واجبه؟

سوره احزاب آیه ۵۹:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَ لَكُمْ فِي حُجَّتِكُمْ بَعْضٌ مِّنَ الْحُجَّاتِ وَبَعْضٌ لَّمْ يَكُنْ حُجَّةً لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ

و اما ترجمه روان این آیه:

ای پیامبر، به همسران و دختران و زن‌های مؤمنان بگو روسری‌ها و چادرهای خود را بر سر خود بیفکنند (که گردن و سینه و بازوان و ساق‌ها پوشیده شود) این (کار) نزدیکتر است به آنکه (به حجاب و عفت) شناخته شوند تا مورد تعرض و آزار قرار نگیرند و خداوند همواره آمرزنده و مهربان است.



اصلاً هر کسی رو تو قبر خودش میذارن!

حالا یه عده هستن که با اینکه می دونن تیپ زدن و آرایش کردن اونا جلوی نامحرم، موجب ضرر به خودشون و دیگران تودنیا میشه و خدا هم حجاب رو واجب کرده، وقتی بهشون گفته میشه: خانوم بهتر نیست یه طوری لباس پوشین که اینطور اعضای بدنتون برجسته نشه؟

خانومه جواب میده: من هر جور دلم بخواد لباس می پوشم و به هیچکس ربطی نداره!

وقتی بهشون گفته میشه خانوم این آرایش و تیپی که شما دارین طوریه که هر مردی از کنارتون رد میشه، حواسش به شما پرت میشه و این درست نیست.

خانومه جواب میده: بقیه نگاه نکنن، به من چه ربطی داره!
وقتی بهشون گفته میشه: خانوم با این پوششتون جواب قبر و قیامت رو چی می خواین بدین؟

خانومه جواب میده: برو بابا، هر کسی رو تو قبر خودش میذارن!
حرفاشو میزنه و میره.



نهایتاً صد سال

به هر ترتیب هر کسی به عمری داره و حتماً همه‌ی ماها به روزی از دنیا میریم.

به هر حال، مرگ یکی از واقعیت‌های زندگیه و همه‌ی آدمای نهایتاً بعد از هفتاد، هشتاد، فوقش صد سال از دنیا میرن. معمول عمر آدمای، آگه کمتر از این نباشه، بیشتر نیست دیگه، درسته؟

خدا این شصت هفتاد سال رو به ما آدمای داده تا امتحانمون کنه و هر کار خوب یا بدی که توی این دنیا انجام میدیم، توی آخرت جوابشو ببینیم.

سالها میگذره و این خانوم از دنیا میره. روز قیامت فرا رسیده و حالا دیگه وقتشه که آدمای نتیجه اعمالشون رو ببینن.



صحنه‌های دردناک

شاید حدیث معراج رو شنیده باشید. تو این حدیث اومده وقتی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به آسمون‌ها رفتن و همه هستی رو مشاهده کردن، زمانی که داشتن از جهنم عبور می کردن، با صحنه های دردناک عذابهایی مواجه شدن. یکی از اون صحنه های عذاب این بود که ایشان فرمودن:

... اما المعلقه بشعرها فانها كانت لا تغطى شعرها من الرجال و...^۱
آن زنانی را که دیدم که به موهای خود در آتش آویزان شده بودند، زنانی بودند که موهای خود را از نامحرم نمی پوشاندند ...
زنانی در جهنم بودند که گوشت بدن خود را می خوردند، آنها زنانی بودند که بدن خود را به نامحرم نشان می دادند .

بر فرض که خدا ببخشه، حق الناس رو چه کار کنم؟

هنگامی که این خانوم با عذاب مواجه میشه، فکر می‌کنین با خودش چی میگه؟

با خودش میگه چه اشتباهی کردم، کاش حرف خدا رو گوش می‌کردم که گفته بود خانوما جلوی نامحرم، باید پوشش مناسبی داشته باشن. حالا چه کار کنم با این همه عذاب؟ چه مردایی که با دیدن تیپ من، نسبت به زنشون دلزده شدن و حالا باید جواب بدم. چه اذیت و آزارهایی که به دخترا و خانومایی شد که من با تیپ زدنم توانا شریک شدم و حالا باید بابت تمام اینها عذاب بشم.

ای بابا! خدا مهربونه و می‌بخشه!

من فکر می‌کردم کارای خوبی که تو دنیا کردم، نجاتم بده. تو دنیا بهم گفتن که این جور لباس پوشیدن و آرایش کردن و راه رفتن من، ظلم به دیگرانه و حق الناسه، بهم گفتن که کارهای خوب من جبران حق الناس رو نمی‌کنه ولی من گوش نکردم. چه اشتباهی کردم که می‌گفتم: ای بابا، خدا مهربونه و می‌بخشه. حالا دارم می‌بینم این ظلمایی که با این جور لباس پوشیدنم کردم علاوه بر اینکه حق الله هست، حق الناس هم هست، بر فرض که خدا، من رو ببخشه، این حق الناس رو چکار کنم؟

کاشکی می‌تونستم به دنیا برگردم و آدم خوبی می‌شدم ولی دیگه کار از کار گذشته و جبران ممکن نیست.



تا ابد خوش می‌گذرونن و لذت می‌برن

در اون زمان، کسانی که حجاب کاملی تو دنیا داشتن، تو خیابون و جلوی نامحرم، لباساشون یه طوری بود که اعضای بدنشون برجسته نبود، آرایش نمی‌کردن، اهل شوخی و خنده با نامحرم نبودن و همچنین کارای دیگه شون هم درست بود، اینهاین که اهل بهشتن.

آیا حالا میشه گفت که فرقی بین باحجاب بودن و بی حجاب بودن نیست؟ قطعاً هست.

اینهاین که تو بهشتن و توناز و نعمت و برایشون بهترین لذت‌ها و زندگی هاست. تا کی؟ تا شصت سال؟ هفتاد سال؟ فوقش تا صد سال؟ نخیر، بلکه تا ابد اونجاین و خوش میگذرونن و لذت می‌برن. اونجا مثل دنیا اینقده کوتاه نیست ها.





حیفه که همین يك نكته مهم رو رعایت نکنن

يك نكته مهم

البته ما اینو می‌دونیم که اکثر کسانی که تو جامعه، موهاشون رو از روسری یا چادرشون بیرون می‌ریزن و تیپ میزنن، اولاً نمی‌دونن که همین موی بیرون یا صورت آرایش کرده یا لباس چسب شون، اینجور عواقب بدی داره.

دوماً، چه بسا خیلی از اونا تو خیلی از کارای دیگه شون، نمره شون بیست باشه. افراد مودب، با محبت در حق پدر و مادر، کمک کننده به فقراء و دارای دهها خوبی دیگه باشن و اصول مسلمانی رو تو خیلی از کاراشون رعایت می‌کنن و این نشون میده که این افراد، دوست دارن کارهاشون تو مسیر درست باشه، پس حیفه به همین نکته بسیار مهم که رعایت کردن پوشش مناسبه توجه نکنن.



کدوماشون؟

کدوم باحجابایی اهل بهشتن؟
 اینا دو گروه هستن. یکی کسائین که از اول با حجاب بودن و تا آخر
 عمرشون هم استقامت کردن.

یکی هم کسایی که جلوی نامحرم لباسای چسب می پوشیدن و آرایش
 می کردن، ولی زمانی که فهمیدن خدا باحجاب بودن رو دوست داره و
 اونو واجب کرده و از طرفی فهمیدن که اینجور تیپ زدن اونا، موجب
 ضرر به زندگی دیگرانه و حتی به زندگی خودشون هم ضرر میزنه، از
 راهشون کاملاً برگشتن و با حجاب شدن.

از طرفی، هر دو گروه کسائین که کارای دیگه شون هم درسته.
 اینجاست که باحجاب ها، نتیجه موندن توره خدا و گاهی گرما
 خوردن و مسخره شنیدن های توی دنیاشون رو می بینن.

اصلاً مسئله شرعی حجاب چیه ؟

خوبه بدوین نظر اکثر مراجع تقلید در مورد پوشش و حجاب اینه که:
 هر دختری از ابتدای بلوغ، هنگامی که در معرض دید نامحرم قرار
 می گیره، واجبه تمام موها و بدنش رو بپوشونه به غیر از دستها تا مچ و
 گردی صورت، البته بدون آرایش.

بنابراین باید مواظب بود که زیرچونه و گردن و دستها از مچ به بالا
 و روی پاهامون دیده نشه. ضمناً به نظر اکثر مراجع تقلید، پوشیدن
 جورابای نازکی که پا از زیرش دیده بشه، جلوی نامحرم اشکال داره.





اینکه گفته همیشه «واجبه» یعنی چی؟
 واجب بودن يك كار یعنی: باید اون کار رو انجام داد و آگه کسی اون کار رو ترک کنه، مستحق عذاب خداست.

مانتو؟

یک نظر هم اینه که:



مانتویی‌هایی که موی سرشون رو می‌پوشونن، صورتشون آرایش کرده نیست و مانتوشون بدن نما و جذاب نیست و تمام قسمتای بدنشون رو می‌پوشونه، حداقل حجاب رو دارن. بله؛ شاید حرفشون درست باشه، ولی

خودتون هم می‌دونین، در عمل که بررسی می‌کنیم می‌بینیم اکثر این مانتوهایی که تو بازار هست، سینه‌ها یا پشت بدن رو برجسته می‌کنه و خیلیا شون هم رنگها و طرح‌هایی داره که هر مردی از کنارشون میگذره، حواسش به اونا پرت میشه و این درست نیست.



واضحه که پوشیدگی چادر بیشتر از مانتویه و با چادر می شه تمام برجستگی های بدن رو پوشوند و يك حجاب كامل داشت.



هر کسی چادری بود، حجابش درستیه؟

از طرفی شاید بعضیا فکرکنن هر کسی چادری بود، حجابش درستیه. این حرف، حرف درستی نیست. مثلاً بعضیا حواسشون نیست چقدر چادرشون نازکه و این رو بقیه که می بینشون، متوجه میشن نه خودشون و از زیر چادر موها یا لباس های اندام نما یا ساق دستشون دیده میشه. یا بعضی چادرها اینقدره براقه که توجه هر مردی از کنارشون رد می شه، رو به خودش جلب میکنه.

کدوم چادریا، حجابشون صحیحه؟

باید بدونیم چادریایی! حجابشون درست و کامله که موی سرشون رو می پوشونن، صورتشون آرایش کرده نیست، چادرشون بدن نما و جذاب نیست و تمام قسمتای بدنشون رو می پوشونه.



کدوم چادر خوبه؟ چادر ملی یا چادر...؟

یک نکته مهم؛ ممکنه بعضی چادرا برای خیلیا مناسب باشه ولی برای يك نفر، نه. مثلاً شاید چادر ملی که برای خیلیا مناسبه، برای يك نفر با اندام درشت‌تر، بدن‌نما و جذاب باشه. پس لازمه هرکسی چادر مناسب خودش رو، پیدا کنه.

قابل توجه چادریا

یه عده از چادریا بعضی وقتا، موقع راه رفتن حواسشون نیست و چادرشون کنار میره و خدای نکرده مانتو یا شلوار چسب و اندام نامشون دیده میشه و تأثیر منفی این حواس پرتی، مثل تأثیر پوشیدن لباسهای چسب و اندام‌نمای افرادی که چادر ندارن و توی صفحات گذشته در موردش توضیح دادیم.

چادر، با رنگ مشکی؟

بعضی‌ها می‌گن: چرا رنگ چادر مشکیه؟
اول ببینیم رنگ مشکی کجاها استفاده میشه؟
■ تو غرب، رنگ ردای قُضات و وُکلا، مشکی و یا سرمه‌ای بسیار تیره هست.

■ در ورزش‌های رزمی بالاترین درجه، کمربند مشکیه.
■ رنگ مشکی متالیک رو خیلی‌ها برای وسایل خونه، اتومبیلشون و... ترجیح میدن.



■ خیلی از کت و شلوارهای مردونه و لباس‌های مجلسی زنونه با برندهای معروف دنیا، به رنگ مشکیه.



حالا خوبه بدوینین؛ در روان‌شناسی رنگ‌ها، هر رنگی زبونی داره. زبون رنگ مشکی یعنی فاصله و مرز. زنان پاکدامن با استفاده از پوشش مشکی این پیام رو به مردای نامحرم میدن که بین ما و شما مرز و فاصله‌ست. تا جایی که گفتن: «رنگ مشکی به معنای نه است»^۱. از طرفی رنگ مشکی، هم باکلاسه و هم به نجابت و پاکدامنی یک خانوم کمک میکنه.

۱- روان‌شناسی رنگها، مارکس لوشر، ص ۹۷





چرا حتی یک تار موی خانوما نباید بیرون باشه؟

به این دو مثال دقت کنین:

خون نجسه، مقدار زیادی خون یا حتی یک سرسوزن خون هم نجسه. دزدی مال مردم حرومه، چه یک کیسه گندم یا یه مشت گندم و حتی دزدیدن یک دونه گندم هم حرومه. همچنین بیرون بودن موهای سر خانوما در مقابل نامحرم حرومه، چه تمام موها و چه یک تار مو. وقتی یه کار اشتباهه، کم و زیاد نداره. اگه یه روز بیینی برادر کوچیکت می خواد

فقط یه دونه سیگار بکشه، چرا اونو منع می کنی؟

مگه کشیدن یه دونه سیگار چقدر ضرر داره؟ حتماً

می گی: مسئله یک دونه سیگار نیست، آخه تمام

کسایی که یه عمر سیگاری یا بدتر از سیگاری بودن،

از همین یه دونه سیگار شروع کردن. تمام کارای

نادرست از کم شروع میشه و حواسمون باید باشه که شیطان، بسیار

با حوصله و پرتاقته. اول گناه و خطای بسیار کوچیکی رو پیشنهاد

میکنه و وقتی جواب مثبت شنید، قدم بعدی رو برمیداره.





کجا حواسا باید بیشتر جمع باشه؟

باید همیشه مواظب پوششمون در مقابل نامحرم باشیم و همونطور که تو خیابون رعایت می‌کنیم، تو کلاسهای دانشگاه، مهمونی‌های خانوادگی و عروسی‌ها و مسافرت و کنار دریا هم باید مواظب پوششمون باشیم و همینطور بعضی وقت‌ها که احتمال عقب رفتن آستین مون هست، مثل موقعی که در حال برداشتن چیزی از بلندی یا تعارف کردن میوه به نامحرم هستیم، بایستی بیشتر مواظب باشیم.

جلوی مَحْرَمَا، چه جوری؟

درسته که بابا و داداش و دایی و عمو و ... با ما محرم هستن ولی يك سوال: هرجوری که جلوشون راه بریم و لباس بپوشیم، اشکال نداره؟

درسته که اونا بهمون محرم ولی این درست نیست ما با هر لباس چسب و بدن‌نما یا نازک یا کوتاهی، جلوشون راه بریم که خدای نکرده اونا حتی کمی ذهنشون مشغول بشه. در بین محارم هم حریم‌هایی وجود داره، هرچند این حریم‌ها کمتر از حریمیه که در مقابل نامحرم هست.



حجابِ زبان و رفتار

کسایی که می‌خوان باحجاب باشن، علاوه بر عفت پوشش یا همون حجاب، حتماً باید دوتا حجاب (عفت) دیگه رو هم رعایت کنن.

عفت زبان: یعنی اینکه نباید یک دختر هنگام حرف زدن با یک پسر، لهجه و نحوه صحبت کردنش با ناز باشه. مثلاً یک دخترخانم موقع صحبت با پسری، صداش رو نازک بکنه و با کرشمه و ناز حرف بزنه. در حالی که اسلام میگه هنگام صحبت با نامحرم، صداتون رو نازک نکنین. البته نه به این معنا که با صدای کلفت و مردونه صحبت کنین اما با ناز و عشوه هم حرف نزنین.



عفت رفتار: یعنی راه رفتن طوری نباشه که جلب توجه کنه. بعضی افراد با نحوه راه رفتن شون، افراد مزاحم رو به سمت خودشون جذب می‌کنن.^۱

۱- با استفاده از کتاب رازهای ارتباط با جنس مخالف، ص ۱۶۶



باید زن رو از زیر چادر بیرون کشید!

واما يك مطلب از مستر همفر. میدونین مستر همفر کیه؟
مستر همفر، جاسوس انگلیس بود که سال های زیادی تو کشورهای
اسلامی برای نابودی اسلام جاسوسی می کرد.

اون میگه: باید زنانِ مسلمان را فریب داد و از زیر چادر بیرون کشید،
پس از آنکه زنان را از زیر چادر بیرون آوردیم، باید جوانان را به عشق
بازی با زنان تشویق کنیم و فساد را در جوامع اسلامی گسترش دهیم .



باید بر سر مسلمانان ها به جای بمب، دامن های کوتاه فرو بریزیم

يك نویسنده فرانسوی به نام میشل هولاک می‌گه:
جنگ بر ضد اسلام، با کشتن مسلمانان ها فایده‌ای ندارد. فقط با فاسد کردن آنها می‌توان به این پیروزی دست یافت. پس باید به جای بمب بر سر اوونها، دامن های کوتاه فرو بریزیم.

احساس امنیت

خانم «ایوان ردلی» نویسنده و خبرنگار معروف انگلیسی که اسلام آورده و محجبه شده، می‌گه: حجاب در زندگی من و حفظ امنیت من نقش بسیار بزرگی را ایفا نمود و من با پناه آوردن به حجاب، خود را در امنیت احساس می‌کنم.





مسئله شرعی اینا چیه؟

تذکر: لطفاً در جزئیات مسائل شرعی به مرجع تقلید خودتون مراجعه کنین.

چون فامیلیم، محرمیم دیگه؟

نظر مراجع تقلید: همین که کسی با کسی فامیل بود محرم حساب نمیشه، مثلاً پسرعمو و پسرخاله و پسرذایی و پسرعمه به خانوما نامحرم هستن.

همچنین شوهرعمه و شوهرخاله و شوهرخواهر و برادرشوهر هم به خانم‌ها نامحرم هستن. در نتیجه پوشوندن تمام موها و ساق دست جلوی اونا واجبیه و دست دادن با اونا حرومه.



لباس تنگ و تحريك كننده؟

نظر مراجع تقلید: پوشیدن لباسهای تنگ و تحريك كننده‌ای که برجستگی‌های بدن زن، در اونا پیداست، جایز نیست و باید اونا رو با چادری یا مانتوی مناسب و گشاد بپوشونن.

چهره آرایش کرده؟

نظر مراجع تقلید: خانوما باید چهره آرایش کرده خودشون رو از نامحرم بپوشونن .

اگه شوهرم یا پدر و مادرم به من بگن بیرون آرایش کن؟

نظر مراجع تقلید: اگه مردی از زنش بخواد که وقتی از خونه بیرون میاد آرایش کنه، یا پدر و مادری این دستور رو به دخترشون بدن، اطاعت از اونا لازم نیست و نباید به حرفشون گوش کرد، چون این کار حرامه .

چادری نازک و بدن نما؟

نظر مراجع تقلید: استفاده از اینطور چادرا، جلوی نامحرم حرومه چون بدن و مو رو نمی پوشونه . مثل بعضی از چادریایی که تو مهمونی‌ها استفاده میشه .



حکم شرعی جوراب نازک و شیشه‌ای؟

نظر مراجع تقلید: جوراب‌های نازک که پا از زیرش دیده می‌شود، حکم پوشش رو ندارد و خانوما نباید جلوی نامحرم اونا رو بپوشن، بلکه لازمه از جورابایی استفاده کنن که پا، نمایان نباشه.

و به **نظر اکثر مراجع تقلید:** پوشوندن ساق دست و مچ پا و روی پا واجبه و همچنین بیرون بودن چند تار مو، دقیقاً مثل بیرون بودن مقدار زیاد موها، حرومه.





این چیه رو سرت گذاشتی؟

سهیلا آراین؛ در هشت سالگی از ایران رفت. در آمریکا فارغ التحصیل رشته مامایی از دانشگاه USC شد.

اون توی آمریکا زندگی می‌کرد و به خاطر زیبایی و ثروتش، همیشه زبانزد اطرافیان‌ش بود و تو زندگی چیزی کم نداشت. یک روز عصر حادثه‌ای بزرگ در زندگی سهیلا اتفاق افتاد. وقتی که برای ورزش روزانه، سرِ کمند نوارهاش رفت و ناخواسته، نوار یکی از دوستای شوهرش رو برداشت تا در حین پیاده‌روی گوش بکنه، نوار مذهبی با نوار موسیقی اشتباه شده بود.

ایشون تعریف می‌کرد: احساس کردم مردی صحبت می‌کنه، اما چیزی متوجه نمی‌شدم تا اینکه به آیه‌ای رسید که خداوند می‌گفت: فکر نکن همه اینهایی که داری، مالِ خودته، همه از قدرت منه!



در همون محل ورزش دو ساعت گریه می‌کردم و توان بازگشت به منزل رو نداشتم... زندگی مثل يك سفره بود، يك سفره منیت که همه چیزش چیده شده بود و همه‌ش شیشه‌ای بود. خدا با يك جمله، این سفره رو تکوند و همه چیز شکست. زندگی به هم ریخت و مثل سفره‌ای تکونده شد.

توتموم زندگی دویدم برای برتری دنیایی، برای رسیدن به هیچ. دلم از این می‌سوزه که برای اینکه ریم و پروردگارم رو پیدا کنم هیچ ندویدم... من چیزی نداشتم به غیر از همین نماز که معنیش رو هم نمی‌فهمیدم. ولی تنها باند اتصالم با خدا همین بود. وقتی حجاب رو انتخاب کردم خیلی برام سخت بود. این اسماعیل بزرگ من بود، ذبحش کردم با کمک خدا... احساس کردم صاحب دارم، یه کسی داره منو نگاه می‌کنه و اون بالا داره به ملائکش می‌گه: ببینین! این سهیلاست. برای منه‌ها!... دوست دارم در مقابل این همه نعمت‌هایی که خدا بهم داده اقلأ پندگیش رو بکنم. چون واقعاً تا لحظه‌ای که من اون نوار رو شنیدم، فهمیدم زندگی نکردم. زندگی نکردم چون بندگی نکردم...

من با حجاب، باید به آمریکا بر می‌گشتم. به خانواده‌ای که کیف دو هزار دلاری همیشه توی دست من بود. لباسم مارک «شانل» بود. کفشم، کیفم «لویی و تن» بود. این بود زندگی من و حالا باید با حجاب بر می‌گشتم توی این خانواده. با کمال پررویی و افتخار.



من هیچ احساس محدودیتی نمی‌کنم. با انتخاب حجاب، احساس می‌کنم که یک قدم از زمین بالاتر رفتم. یه روز توی آمریکا، دفعه اولی که با حجاب برگشتم، دوستانم اومده بودن دیدن ما. وقتی سینی نوشیدنی رو به یکی از دوستانم تعارف می‌کردم، در حضور چندین نفر به من گفت: نمی‌خورم سهیلا. سینی رو پس زد و گفت: این چیه رو سرت گذاشتی؟ و من در همون لحظه سینی رو گذاشتم روی میز، دستم ناخودآگاه رفت رو سرم و گفتم: اینومیگی؟ این تاج بندگی منه، این حجاب منه... تاج بندگی من، به عنوان یک زن شیعه مسلمان.^۱



۱- منبع: پرنیان ص ۱۰۴





گوه‌رهای آسمانی

چند سخن از پیامبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام:

لباس اندام‌نما؟

امام صادق علیه‌السلام: در شأن زن مسلمان نیست که لباسی مانند روسری و پیراهن بر تن کند که اندامش را نپوشاند.^۱

لباس تنگ و چسبان؟

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: برای زن سزاوار نیست که هنگام بیرون رفتن از خانه‌اش، لباسش را جمع و فشرده کند و به بدنش بچسباند.^۲

۱- کافی، چاپ دارالحدیث، ج ۶، ص ۳۸۱

۲- فروع کافی، ج ۵، ص ۵۱۹



لباس نازک؟

امیرالمؤمنین علیه السلام: بر شما لازم است لباس ضخیم بپوشید، هر کسی که لباسش نازک شد، دینش نازک شد.^۱

بوی خوش؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله: هر زنی که خود را خوشبو کند و از خانه خارج شود، پیوسته تا وقتی که به خانه برمی‌گردد مورد لعنت خواهد بود.^۲

فرشته‌ای از فرشتگان

امام علی علیه السلام: پاداش مجاهدی که در راه خدا به شهادت رسیده بیشتر از کسی نیست که با وجود توانایی برگناه، عفت ورزیده [و از گناه خودداری کرده است]. بسیار نزدیک است که انسان عقیف، فرشته‌ای از فرشتگان الهی شود.^۳

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۵۷

۲- ثواب الاعمال، ترجمه انصاری، ص ۵۱۱

۳- نهج البلاغه، حکمت ۴۶۳





عنایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به یک زن محجبه

یکی از علمای بزرگ برای این که به خدمت امام زمان برسه، چهل زیارت عاشورا رو در چهل جمعه تو یکی از مساجد مشهد خوند. ایشون میگه: در یکی از جمعه ها نوری رو دیدم که به طرفم اومد و رفت. من به دنبال اون نور رفتم تا اینکه وارد خونه‌ای شد. در زدم، وقتی در رو باز کردن، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف رو دیدم که کنار جنازه‌ای بودن که روی اون جنازه پارچه‌ی سفیدی کشیده شده بود.



در محضر اون حضرت خیلی گریه کردم (اشک شوق). امام فرمودن: چرا این گونه دنبال من می گردی و رنج هارا متحمل می شوی؟ مثل این زن باشید تا من دنبال شما بیایم.

بعد فرمودن: این بانویی است که در دوران بی حجابی (رضاخان پهلوی) چند سال از خانه بیرون نیامد، تا مبادا نامحرم او را ببیند. (در زمان رضاخان پهلوی، قانون منع حجاب وجود داشت و هیچ زنی نمی توانست با حجاب از خانه بیرون بیاید)^۱

محکم در راه حجاب

خانم «هنولا ناکاتا» که یک نویسنده ژاپنی و تازه مسلمونه، میگه: اسلام آوردن برای من یک آزمایش بسیار بزرگ بود.



همکارا و دوستا و نزدیکانم با من بد رفتاری می کردن و بهم ناسزا می گفتن و حتی با من قطع رابطه کردن. اما بعد یه مدّت، محکم بودنم در حفظ حجاب، باعث پیروزیم بر همه این مشکلات شد و همه شون با من دوست شدن. تحمل من در برابر این آزمایش، باعث شد تا خدا همه اونا رو بهم برگردونه. خانم ناکاتا درباره احساسش از داشتن حجاب میگه:

با داشتن حجاب بود که من انسانیت و ارزش زنانگی خودم رو حس کردم. حجاب به من یاد میده که از دسترس افراد مزاحم دور بمونم.

۱- در محضر امیرالمؤمنین (ع)، ج ۳، ص ۲۴۷



امروزه، گرایشی روزافزون به حجاب دیده میشه به‌ویژه در بین جوانا، که این نشونه رشد اسلامه. من تا زنده‌ام، برای اسلام و حجاب تبلیغ خواهم کرد، چون حجاب مایه آرامش و آسایش در جامعه هست.

اون همه تمسخر، برام خیلی سنگین بود

یادمه به سن تکلیف رسیده بودم. نمازم رو می‌خوندم، اما مامانم نه میداشت روزه بگیرم نه مفهوم حجاب رو یادم داده بود! تا کلاس پنجم با نامحرم هم دست میدادم، موهام رو هم نمی‌پوشوندم! چون اصلاً نمی‌دونستم این کارا گناهه. تا اینکه خدا لطف کرد و من دوره راهنمایی رو رفتم به يك مدرسه مذهبی. تو دوره راهنمایی، من واقعاً راهنمایی شدم. معلما و مربیای اونجا مفهوم واقعی دین رو بهم یاد دادن. برای مدرسه چادر الزامی بود. خانواده‌ام خیلی مخالفت کردن، حتی می‌خواستن به خاطر چادر مدرسه‌ام رو عوض کنن، اما من اینقد چادر رو دوست داشتم که کلی التماس کردم که اجازه بدن اونجا بمونم و چادر سرم کنن.



حس عجیبی به چادر داشتم، حس می‌کردم بزرگ شدم. از همون دوران بود که تازه داشتم مؤمن بودن رو لمس می‌کردم، تو مدرسه‌مون آموزش مفاهیم دینی، با دلیل و مدرک بود که من با اون سن و سال هم می‌تونستم باورشون کنم. از نظر درسی هم همیشه جزء شاگهدای



ممتاز بودم و همین باعث شد دید خانواده‌م نسبت به من عوض بشه. هرچند تو اون سه سال، بیرون مدرسه کلی مسخره‌ام می‌کردن. خانواده‌م برای بیرون مدرسه، بهم اجازه نمی‌دادن چادر سرم کنم. هم خانواده‌م هم فامیلام کلی نیش و کنایه بارم می‌کردن. تو اون سن و سال اون همه تمسخر واسه رعایت مسائل دینی، برام خیلی سنگین بود! بعضی وقتها اشکم رو در می‌آوردن، می‌گفتن: این چیه انداختی سرت، آگه چادر سرت باشه حق نداری با ما بیرون بیای!

کم کم رفتارم روی خواهرای کوچیکترم که پوششم رو می‌دیدن هم اثر گذاشت و اونها هم خواستن چادری بشن. اونها هم اوایل، شدیداً از طریق خانواده سرزنش شدن، اما کم‌کم برخوردی عادی شد. خلاصه بعد از چند سال، مامان و بابام هم به درست بودن کارمون پی بردن و بهمون افتخار کردن! دوره دبیرستان و دانشگاه با اینکه بعضیا چادر رو کنار میذاشتن، اما ما سه تا خواهر، با افتخار بیشتری چادرمون رو حفظ کردیم. هرچند هیچ وقت از نیش و کنایه‌ها و مسخره کردنای بعضی همکلاسی‌ها در امان نبودیم، اما ارزشش رو داشت و داره!

بالاخره بندگی و عاشقی که فقط به حرف نیست، باید واسه عشقت سختی بکشی، حرف و نیش و کنایه بشنوی، مگه سختی‌های ما از سختی‌های حضرت زهرا علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام و شهدای کربلا بیشتره؟^۱

۱- وبلاگ (من، چادرم، خاطره‌ها) خاطره‌ها و پنجم



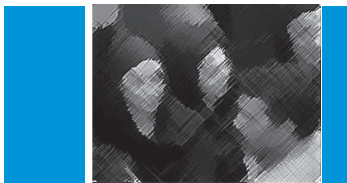
مقنعه‌ام فرق سرم بود

تو دبیرستان جزو اولین نفرایی بودم که ابروهامو برداشتم... وقتی میرفتم مدرسه، یه ته آرایش هم داشتم. اهل آرایش نبودم. فقط یه کم ته آرایش بود. موهام که همیشه بیرون بود، یعنی مقنعه‌ام فرق سرم بود.

یادمه وقتی برای جشن فارغ التحصیلی با صورت آرایش کرده و مانتوی کوتاه (یه کم پایین تراز کمر) رفته بودم مدرسه، یکی از مسئولین مدرسه شاکی شده بود که چرا من با این وضع اومدم.

تو مدرسه تیزهوشان درس میخوندم، برای همین همه ازم توقع داشتن که تو یک دانشگاه خوب یا یک رشته خوب قبول بشم. منم رتبه کنکورم بد شد و بخاطر توقعی که ازم بود موندم برای سال بعد. البته این توقع فقط خارجی نبود و خودم هم شامل متوقعین بودم.

سال پشت کنکور، رفتم یه آموزشگاه تا از فضای درس زیاد فاصله بگیرم. دو تا از اساتید مرد اون آموزشگاه، کلی خاطرخواه توی آموزشگاه داشتن. یعنی بچه‌ها دوستشون داشتن.



روزهای اول با حالت عادی خودم می‌رفتم. مانند تنگ، ته آرایش، موهام که بیرون. بعد به مدت فهمیدم بعضی از دخترهای اونجا آرایش می‌کنن تا خودشون رو به استاد نشون بدن و استاد از قیافه شون خوشش بیاد. حالم از هرچی آرایش جلوی نامحرم، به هم خورد. هنوزم که هنوزم حالم به هم میخوره. من ظاهرم هرجوری بود، برای زیبا بودن خودم بود نه برای جلب توجه کردن. حالم از جلب توجه کردن، اونم برای دوتا مردی که زن دارن به هم خورد. با خودم فکر کردم، وقتی عده‌ای برای جلب توجه آرایش می‌کنن، یعنی آرایش ابزاری برای جذب نامحرمه. حالا اگه کسی پیدا بشه و قصدش جذب نامحرم نباشه ولی از ابزار جذب نامحرم استفاده کنه، ناخواسته به اون مقصد شوم رسیده. برای همین آرایش رو برای همیشه گذاشتم کنار.^۱

نصف موهام از جلو بیرون بود و نصفش از پشت سر

توی دوران مدرسه بعضی وقتا واسه تنوع، چادر سرم می‌کردم ولی واسه مدرسه ساختم بود.

البته همیشه پوششم طوری بود که مانند گشاد می‌پوشیدم و موهامو تو می‌گذاشتم، تا اینکه ۱۹ سالم شد و دائیم اومد دنبالم و من رو برد شمال خونه شون، بچه های دائیم زیاد با حجاب میونه‌ای نداشتم، واسه همین، جوانا، رو من تأثیر بدی گذاشت. دائیم همه ش میگفت: خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو.

۱- وبلاگ (من، چادرم، خاطره‌ها)



تا اینکه داداشم اومد دنبالم و برگشتم به شهر خودمون، اونم با چه تیپی. یه مانتوی تنگ با یه روسری کوچک، نصف موهام از جلو بیرون بود و نصفش از پشت سر. بابام منو با اون تیپ دید ولی چیزی نگفت، یه هفته تو شهر خودمون اینجوری گشتم. یه بار از یه مرد که همسن بابام بود متلک شنیدم و خیلی ناراحت شدم. یک روز دوستانم گفتن که می‌خوان برن اعتکاف، به منم پیشنهاد دادن. منم گفتم: من کجا و اعتکاف کجا. اسمم رو نوشتم، یکی از دوستانم که اسمشو نوشته بود براش اتفاقی پیش اومد و کارتش رو داد به من، منم به بابام گفتم. بابام اجازه نداد. منم اصرار کردم که برم ولی اصرارم بی نتیجه بود و بابام قبول نکرد.

شبی که همه دوستانم رفتن، ما داشتیم شام می‌خوردیم که تو اخبار گفت: جمعی از معتکفین وارد مساجد شدن. من گریه‌ام گرفت. بابام هم که اشکامو دید، گفت: پاشو، حاضر شو تا ببرمت و گفت: ولی می‌خوای با اون تیپ بری؟ تازه فهمیدم که چرا بابام مخالفت می‌کرد. پاشدم، حاضر شدم و چادرم رو سرم کردم و گفتم بریم. بالاخره رفتم اعتکاف.

دومین روز بود که داشتیم زیارت عاشورا می‌خوندیم که حال و هوام عوض شد. داشتیم عنایت امام حسین علیه السلام رو احساس می‌کردم. اون زیارت عاشورا واسم یه زیارت عادی نبود.





از اعتکاف که برگزیدم، دیگه چادرم روزمین نداشتم.

از طرف خانواده بابام مشکلی نداشتم ولی از طرف خانواده مامان خیلی مسخره شدم و هیچی نگفتم و مصمم تر شدم که حجابم رواز هر لحاظی رعایت کنم. تا اینکه بابام رواز دست دادم و مجبور شدم بریم شمال، پیش خانواده داییم، اینجوری بیشتر عذاب می کشیدم.

اما بعد از شش ماه به خاطر حجابم، بایه پسر ازدواج کردم که خانواده اونا هم مذهبی هستن اما چادری نبودن. همون روز اول شوهرم به من گفت: من تو رو چادری دیدم و انتخابت کردم و می خوام همیشه اینجوری باشی.

حالا چندین ساله که با اشتیاق چادر سرم می کنم و تا حالا اونوزمین نداشتم. حتی محیط دانشگاه هم روم تأثیری نداشتم. نظرم اینه که چرا من باید خودمو هم رنگ بعضیا بکنم؟ بهتره اونا به خاطر خدا خودشونو هم رنگ الگویی کنن که خدا برای همه زنهای عالم پسندیده که ایشون حضرت فاطمه علیها السلام هستن.^۱

۱- وبلاگ (من، چادرم، خاطره ها)



حرف آخر

خواهرم؛ در پایان از شما می‌خوام درباره آنچه توی این کتاب نوشته شده فکر کنی و درباره این نکته بیشتر دقت کنی که دنیا فانیه و جوونی و جلوه‌هاش به سرعت می‌گذره. چه بسیار پری‌رویانی که سر از دواج با اونا رقابت‌ها بوده، اما سالهای ساله که اون چهره‌های زیبا زیر خاک هستن و چه بسا جزمستی استخوان از اونا چیزی نمونده باشه و آنچه که از شون باقی مونده، فقط عمل اونا و چگونه استفاده کردن شون از نعمت زیبایی و سلامتی.

یادته وقتی میرفتیم دبستان، چه ذوق و شوقی داشتیم؟ توی روزهای جشن و عیدها، بچه‌های هر کلاس، کلاس خودشون رو آذین می‌بستن. تو کلاس، هر کسی جایی برای خودش داشت، یکی به اون یکی می‌گفت: جای من کنار پنجره‌ست و منظره باغچه حیاط رو می‌بینم، اون یکی پُز می‌داد که نزدیکترین نیمکت به معلم، مال منه و ... اما سالهای ساله که دیگه ما دانش‌آموزای اون کلاس و اون مدرسه نیستیم و نه نیمکتی داریم و نه کلاسی، و تنها اون چه از ما باقی مونده پرونده‌ها و نمره‌های ماست.

زیبایی، جوونی، مورد توجه بودن و همه جذابیت‌های دنیا به سرعت می‌گذره و فقط نمره هر کسی تو مدرسه دنیا و اعمال هر کسی از بازار دنیا تو پرونده‌ش باقی می‌مونه. گفتم بازار، یاد این سخن زیبا افتادم که



امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرمایند: دنیا بازاریست که بعضی در آن سود می‌برند و گروهی زیان.^۱

آره؛ این واقعیت رو همیشه رد کرد که دنیا بازاریه که هر روز یه عده واردش میشن و عده‌ای ازش خارج میشن. یه عده با سرمایه عمرشون بهترین کالاها که علم و عمل و رضای خدایه رو از این بازار میخرن و با دست پُرازش خارج میشن. عده‌ای هم سرمایه هاشون رو از دست میدن و با دست خالی از این بازار بیرون میرن. پس همونطور که هنگام خرید پارچه، وقتی دوتا پارچه رو بهت نشون میدن، اونها رو با هم مقایسه می‌کنی و ویژگی‌های هر کدوم رو در نظر می‌گیری و در نهایت هر کدوم که مناسب‌تر بود رو برمی‌داری، در بین کارا هم باید این مقایسه رو انجام بدی و هر کدوم سودمندتر هست، اون رو انتخاب کنی.^۲

ضمناً خوشحال میشیم که آگه انتقاد یا پیشنهادی یا خاطره‌ای درباره حجاب دارین برامون به ایمیل golposh20@gmail.com یا به سامانه پیامکی به شماره



۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۶۶

۲- برگرفته از کتاب نامه ای به خواهرم، ص ۴۴





توجه؛ کارگاهی جذاب با حضور همه فکرها

خوبه بدونین مجموعه ما، کارگاهی ۹۰ دقیقه‌ای رو هم، درباره حجاب برگزار می‌کنه. ویژگی مهم این کارگاه اینه که در فضایی آزاد با حضور نظرات مختلف (موافقین و مخالفین) برگزار میشه و همه میتونن نظراتشون رو بیان کنن.

فضای اجرای کارگاه، منطبق با جدیدترین روش‌های روز دنیاست. این کارگاه با پاورپوینت و کلیپ‌های مختلف و در چند مرحله اجرا میشه که در ابتدای هر مرحله، مطلبی مطرح و نظرات همه گرفته میشه. کسایی که علاقه مند به اجرای این کارگاه در مدرسه یا مجموعه خودشون هستن، میتونن با مجموعه ما که مشخصاتمون در شناسنامه کتاب به عنوان مرکزپخش اومده، تماس داشته باشن.



اکثر مطالب این کارگاه با کتاب گلپوش مشترکه.
تعدادی از نظرای افرادی که توکارگاه گلپوش شرکت کردن رومی تونین
پایین ببینین:

بلکه مدوماً ... درصد توضیح: از این به بعد لباس های تنگ نمی پوشم.

از این به بعد لباس های تنگ نمی پوشم

بله مدوماً ... درصد توضیح: من نسبت به مردان نظرم از قبل برای بهای خانومها

من نمیدونستم مردان تحریک میشوند با بی حجابی خانوم ها

بلکه مدوماً ... درصد توضیح: من وری بودم در فهم تفاوت مانتویی با لقم اما
فیدا توضیح: الان لقم و فیدا سر و حجاب شروع ادا هم ادا هم

من مدتی بود که دلم می خواست مانتویی باشم اما الان نظرم
عوض شد و به حجاب خودم ادامه می دهم



بله مدوداً در صد تہضیع: چون من آ علیہ روز پیش چادر می پوشیدم ولی
 خیر تہضیع: اصلاً از ما در مرتبہ نمی آید ولی حالاً از فیدہ عیال می آید

چون من تا چند روز پیش چادر می پوشیدم ولی اصلاً از چادر
 خوشم نمی آید حالا از چادر خوشم می آید

بله مدوداً در صد تہضیع: فریب کم مردان جلسہ سہمہ منوما
 خیر تہضیع: زمان با جلیس مراقب پوشش خود شویم و حتی
 انتقادات و پیشنہادات: وقتیکہ ما اصلاً فکرش را ہم نمیکنیم و زمان پوشش خود را
 مردانہ و تحرک من خود را در دستہ اندازیم
 ادامه در پشت برگہ

فہمیدم کہ مردان خیلی پیچیدہ هستند و ما زنان باید خیلی
 مراقب پوشش خود شویم و حتی وقتی کہ ما اصلاً فکرش را ہم
 نمی کنیم و بہ نظرمان پوششمان خوب است مردان تحریک
 می شوند و من دوست ندارم کہ موجب تحریک مردی شوم

بله مدوداً در صد تہضیع: خیلی خوب است حالا می دونم باید خودم رو بیشتر
 خیر تہضیع: تہذیب شویم بجزن حالا می دونم بسفت تر شویم
 انتقادات و پیشنہادات: تہذیب شویم تا باغضری می آید

خیلی خوب است حالا می دونم باید خودم رو بیشتر بپوشوم
 چون حالا می دونم پشت این نگاه های تیزشون چه افکاری
 می گذرد



بله مدوماً درصد توضیح: کارهایی که از نظر من اشکالی نداشته
 غیر توضیح:
 انتقادات و پیشنهادات: حال فهمیدم که برای جامعه مضر بود مثلاً
 تکرار شلوارم

کارهایی که از نظر من اشکالی نداشته، حال فهمیدم که
 برای جامعه مضر بوده مثلاً تنگی شلوارم

بله مدوماً درصد توضیح: باعث شد از این به بعد چادر سرم کنم
 غیر توضیح:
 انتقادات و پیشنهادات: قرار گذاشتم با خودم با چادر برم بیرون

باعث شد از این به بعد چادر سرم کنم

بله مدوماً درصد توضیح: خیلی متحول شدم عالی بود
 غیر توضیح:
 انتقادات و پیشنهادات: قرار گذاشتم با خودم با چادر برم بیرون

خیلی متحول شدم عالی بود
 قرار گذاشتم با خودم با چادر برم بیرون

توضیح: زیرا به سوال هایی که تو ذهنم بود پاسخ داده شد

زیرا به سوال هایی که تو ذهنم بود پاسخ داده شد

بله مدوماً درصد توضیح: فکر می کردم که چادر هیچ ارزشی ندارد اما حالا فکرم عوض شد
 غیر توضیح:
 طرح عوض شد

فکر می کردم که چادر هیچ ارزشی ندارد اما حالا فکرم عوض شد



بله مدهودا در صد توفیغ؛ هن شدا دایتم به ایستادگی سال جدید چادر بیوشم یا نه
فیتر توفیغ؛ این کلاس به من هموند که چادر بیوشم یا نه این کلاس به من

من شک داشتیم که سال جدید چادر بیوشم یا نه این کلاس به من
فهموند که چادر بهترین حجاب است

بله مدهودا در صد توفیغ؛ همش از اینها اینله شاهره واسه حجابم
فیتر توفیغ؛ اعتراف من که مشکل داشت الان حرفشو برام منطقیه

همیشه از لحاظ اینکه شوهرم واسه حجابم بهم اعتراض می کرد
مشکل داشتیم الان حرفشو برام منطقی است

لطفاً در صورت پاسخ (بله)، میزان و توفیغ آن و در صورت پاسخ (فیتر)، دلیل آن را بیان فرمایید.
بله مدهودا در صد توفیغ؛ چون من شوهرم تمایلی نداشت برود ولی الان
فیتر توفیغ؛ شوهرم با برم تو

چون من موهایم قبلاً بیرون بوده ولی الان می خواهم بدم تو

بله مدهودا در صد توفیغ؛ من عملاً آرایشم را خلاصه این نتیجه رسیدم
فیتر توفیغ؛ که حجاب من روی شوهرم و من هم شوهرم مشکلی نداشت
انتقادات و پیشنهادات: تا این حد چادر و این اشتباهی است که من کردم
اگر من آرایش نکنم شوهرم بعد از این ریاضت من در روز

من قبلاً آرایشی می کردم اما حالا به این نتیجه رسیدم که حجاب من
روی شوهرم و زندگی خودم بیشترین تاثیر را دارد و این اشتباهی است
که می گفتم آگه آرایش نکنم شوهرم بقیه روز از من زیباتر می دونه

